

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه بیست و هشتم

عامل دوم: آگاهی

یکی از نکات مهم این است که ما سهمی از صحت و درستی را در کلام دیگران، برای آن ها قائل باشیم.

و یک نکته مهم در این که در این مسیر گرفتار پلورالیزم و تکثر گرایی نشویم باید که این مطلب را در کنار سایر موارد در نظر بگیریم.

این که ما معیارهای خودمان و دینمان را هم نادیده بگیریم و برای ما یکسان باشد که هر کس از چه مسلک و دینی صحبت می کند ، همه را بپذیریم و بگوییم همه درست می گویند ، البته که این نگرش صحیح نیست؛ و البته این نکته هم که من همه را ناصحیح بدانم و سعی در القای عقاید خودم داشته باشم ، این هم صحیح نیست؛

به هر حال اصل اول این است که نگاه انسان به دیگران بر اساس تواضع باشد؛ و تکبر و خودبرتر بینی را از خود دور کند، که البته این موضوع می تواند برنامه های متعددی را شامل شود.

باید قبول کرد که ریشه بسیاری از رعایت نکردن ها در مقوله حق الناس ، جهل است. و برخی از این جهل ها، جهل های مرکب مقدس انگاشته شده است.

مجری: آیه ای در قرآن هست که می فرماید: قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا... الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ ما برای زدودن این جهل چه باید بکنیم؟

جواب: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ قرآن در این آیه می فرماید انسان گاه کاری را انجام میدهد اما روکش دین بر آن می کشد ؛ و یا این که انسان مطلبی را و یا علمی را می گیرد اما از اهلش نمی گیرد. به همین دلیل است که گفته می شود که دین هم متخصص می خواهد برخی ادعا می کنند که مگر دین ، متخصص می خواهد؟ به خدا قسم! هم که دین هم متخصص می خواهد . و انسان که نمی تواند با چند جلسه دین و مطالعه و پاس کردن واحد درسی که نمی توان کارشناس دین شد! انسان باید که آگاه باشد و از اهلش بگیرد. به عنوان مثال موضوع ناآگاهی ، گاهی به این شکل خواهد بود که مثلاً وقتی به کسی گفته می شو دکه غیبت نکن! می گوید من دارم افشاگری می کنم. محقق ثانی فرموده : غیبت اگر مصلحت باشد ، جایز است. در حالی که امام خمینی می فرماید: کدام مصلحت است که بتواند مفسده غیبت را پوشش دهد؟! البته به نظر ما ایراد ایشان بر جناب محقق وارد نیست چون ایشان هم نمی خواهد بگوید، هر مصلحتی.. و مشکل آن جا است که غیر متدینان را وقتی تذکر می دهیم بی اعتنائی می کنند و متدینان هم به توجیه گناه می پردازند.. و این جا است که آن مقدس انگاری و مقدس نمایی همراه با جهل و توجیه گناه سراغ انسان می آید.

مجری: شما گفتید که صحبت از حق الناس باید تبدیل به یک گفتمان غالب شود در سطح کشور، و عمده کار این است که در این مسیر برای رسیدن به این هدف، کارگزاران نظام هستند که باید این سیره را در پیش گیرند، و من از شما خواهش می کنم که در این باره صحبت فرمایید.

جواب: اسلام صرفاً این نیست که شخص را وادارد که موضوعی را آگاه شود بلکه به حاکمیت هم دستور میدهد که شما هم اسباب آگاه شدن مردم را هم فراهم کن.. و عقل مردم را هم بالا ببر... و صرفاً وظیفه دولت این نیست که به معیشت تنها پردازد البته در این خصوص حتماً وظایفی دارد اما بالا بردن عقل و شعور و آگاهی مردم از آن مهم تر است. و لذا داریم اولین کاری که امام زمان علیه السلام انجام می دهند این است که عقل مردم را بالا می برند..

اما در جامعه متأسفانه گاه مسائلی اتفاق می افتد که خلاف آگاهی عمومی است؛ به عنوان مثال ممکن است رسانه ها و یا حتی من روحانی و مبلغ و یا کارگزار زمینه چهل مردم را فراهم می کنیم و یا زمان انتخابات که می شود ببینید چقدر اخلاق اجتماعی به مسلخ می رود.

ابن عباس می گوید در مسیر برگشت امام علی علیه السلام از بصره، در منطقه ریزه، جایی امام توقف کردند و به تعمیر کفش خود پرداختند و من هم به امام علیه السلام گفتم اگر شما به اصلاح امور مردم و جامعه پردازید از این کار بهتر است

عن ابن عباس: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذِي قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ ۖ نَعَلَهُ، فَقَالَ لِي: مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ؟ فَقُلْتُ: لَا قِيمَةَ لَهَا! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ، إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا. ٢

لَمَّا تَوَجَّهَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْبَصْرَةِ نَزَلَ الرَّبْدَةُ، فَلَقِيَهُ بِهَا آخِرُ الْحَاجِّ فَاجْتَمَعُوا لِيَسْمَعُوا مِنْ

كَلَامِهِ وَهُوَ فِي خِبَائِهِ.
قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَأَتَيْتُهُ فَوَجَدْتُهُ يَخْصِفُ نَعْلًا، فَقُلْتُ لَهُ: نَحْنُ إِلَى أَنْ تُصْلِحَ أَمْرُنَا أَحْوَجُ مِنَّا إِلَى مَا تَصْنَعُ! فَلَمْ يُكَلِّمْنِي حَتَّى فَرَعَ مِنْ نَعْلِهِ، ثُمَّ صَمَّمَهَا إِلَى صَاحِبَتَيْهَا، ثُمَّ قَالَ لِي: قَوْمُهَا، قُلْتُ: لَيْسَ لَهَا قِيمَةٌ! قَالَ: عَلَى ذَاكَ، قُلْتُ: كَسِرُ دِرْهَمٍ، قَالَ: وَاللَّهِ، لَهُمَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرِكُمْ هَذَا! إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا.

حضرت به او نگاهی کردند و گفتند قیمتی بر این کفش بگذار که من هم گفتم قیمت آن کمتر از دره می است که امام علیه السلام در این حال فرمود: به خدا سوگند که این کار از امارت بر شما بالاتر است مگر این که حق را اقامه کنم و باطلی را دفع نمایم.

صحبت بر این است که اگر گفتمان اشتیاق به خدمت در کنار عدم اشتیاق به مسئولیت و امارت و بی اعتنائی به پست و مقام... البته این امر هم که انسان خود را کنار بکشد و هیچ اشتیاقی به خدمت نداشته باشد این هم هنر نیست. این اشتباه است به این معنی است که هیچ نقشی در جامعه نداشته باشد اما این که ولع قدرت داشته باشد این هم اشتباه است.

سوال این است که این چیزی که الان می بینیم از رسانه ها، اشخاص مخصوصاً در زمان تبلیغات و انتخابات، آیا اینها اخلاق اجتماعی است؟ اگر شایسته سالاری سر لوحه قرار گیرد، این قدر فرار مغرزا و یا فرسایش

مغزها اتفاق نمی افتد چون اصل بر نرفتن است .اگر آن مطلب عدم اشتیاق به پست در کنار اشتیاق به خدمت صورت بگیرد یک اصل که رخ می نماید این است که دیگر کسی به کسی زخمی نمی زند. ما نیازی نیست پنجه تعرض به صورت همدیگر بکشیم برای مسئولیت...نامزدها اثباتی مطالب و اهداف و برنامه های خود را بیان کنند اما این که به صورت سلبی و حمله به این و آن مطالبی گفته شود این صحیح نیست.

فایده چهارم این که مهم نیست که کار نیک از که باشد مهم این است که این کار که صحیح جلوه می کند با ید انجام شود یا توسط این یا توسط آن ..باید این دید باشد که گذشتگان زحماتی کشیدند و من هم باید به سهم خودم زحمتی بکشم. که اگر این گونه باشد این ها نشانه آن روایت امام علی علیه السلام است .و حاکمیت مردم را باید این گونه تربیت کند که آن ها به قدرت نه به عنوان یک هدف که وسیله ای برای رشد جامعه و نه بیشتر از آن نگاه کنند ، نه این که به جان هم بیفتند و...بشود آن چه نباید بشود ..